

بررسی شخصیت حبابه والیه در منابع روایی و رجالی

شیعه*

علی حسنی گرکانی**

چکیده

حبابه والیه یکی از صحابه ائمه علیهم السلام بوده که در روایات و در منابع رجالی، شخصیت ایشان مورد مدح و ستایش قرار گرفته است و معجزاتی توسط ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به ایشان اتفاق افتاده و طبق روایات، دارای عمر طولانی بوده و هشت امام معصوم را درک نموده است و نکته حائز اهمیت اینکه این روایات و معجزات در منابع معتبر شیعه مانند محاسن برقی، بصائر الدرجات، کافی، کمال الدین و... نقل گردیده است. اما شخصیت حبابه و روایات پیرامون او مورد غفلت واقع شده و پژوهشی شایسته در این موضوع انجام نگرفته است، در این پژوهش قصد داریم شخصیت ایشان را از منظر روایات و کلمات رجالیون بررسی کنیم. این پژوهش از حیث روش تحقیق، کتابخانه‌ای و از جهت داده پردازی، توصیفی و تحلیلی است. نتیجه پژوهش حاضر گویای طول عمر حبابه طبق احادیث (بیش از ۲۰۰ سال) و جایگاه والای او نزد معصومین علیهم السلام و صدور چندین معجزه از ائمه علیهم السلام نسبت به او، می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حبابه والیه، راوی معمر، راوی بانو.

۱۴۷

حکایت

سال چهاردهم / شماره ۲۷ / پاییز و زمستان ۱۴۰۲

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴.

** دانش پژوه سطح سه، رشته علوم حدیث مرکز تخصصی علوم حدیث، حوزه علمیه قم؛

(Hasanigarakani@gmail.com).

مقدمه

از جمله ویژگی‌هایی که رجالیون برای بیان مدح و اماره وثاقت یک راوی ذکر می‌کنند، صحابی چند امام معصوم بودن است.^۱ صحابه چند امام معصوم بودن به معنای ارتباط مستمر با آنها است، این ارتباط نزدیک، نشان دهنده توجه خاص معصومین علیهم‌السلام به یک راوی است که رجالیون آن را به عنوان اماره‌ای برای وثاقت تلقی می‌کنند. یکی از این افراد حبابه والیه است که طبق روایات متعدد در منابع معتبر، هشت امام معصوم را درک کرده و از تمامی آنها برای اثبات امامت شان نشانه‌ای دریافت نموده و معجزاتی توسط معصومین علیهم‌السلام در مورد او واقع شده است.

با وجود اینکه حبابه والیه، در منابع روایی و رجالی معرفی گردیده ولی شخصیت ایشان مورد غفلت واقع شده و شناخته شده نیست، این پژوهش به هدف شناساندن ویژگی‌های شخصیت حبابه و جایگاه او نزد معصومان، نگاشته شده است.

پیشینه این بحث: دکتر مصطفی صالح مهدی در مقاله «النصوص الماثوره عن امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام حدیث علی علیه‌السلام مع حبابه والیه فی اثبات الامامه الاختیاراً»، نشریه الکلیه الاسلامیه الجامعه، ذوالقعدہ ۱۴۴۱ق به بررسی سندی مشهورترین روایت حبابه که در کافی و کمال‌الدین نقل گردیده، پرداخته است. این روایت در رابطه با شناخت امامان معصوم بعد از امیرالمومنین علیه‌السلام بواسطه مهر شدن سنگریزه‌های حبابه والیه است.

در مقاله «شرح حال و ویژگی‌های زنان رجعت کننده در حکومت امام زمان علیه‌السلام» نوشته جواد جعفری، نشریه مشرق موعود، تابستان ۱۳۸۶، شش روایت از روایات پیرامون حبابه نقل شده است. اما در این پژوهش قصد داریم روایاتی که جایگاه حبابه را نزد معصومین علیهم‌السلام بیان می‌کنند و

۱. به عنوان نمونه: نجاشی در مورد ابوحمزه ثمالی می‌گوید: لقي علي بن الحسين و أبا جعفر و أبا عبد الله و أبا الحسن عليهم السلام و روی عنهم؛ (رجال نجاشی، رقم ۲۹۶).

نمونه دیگر صفوان بن یحیی است که نجاشی در ترجمه او می‌گوید: کشی او را در زمره اصحاب امام کاظم علیه‌السلام ذکر کرده و او وکیل امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام بوده است؛ (رجال نجاشی، رقم ۵۲۴).

نمونه دیگر: عبدالرحمن بن اعین است، نجاشی او را به عنوان راوی از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) معرفی می‌کند؛ (رجال النجاشی رقم ۶۲۷).

کلمات رجالیون در مورد شخصیت حبابه را بررسی کنیم.

این مقاله به روش کتابخانه‌ای وبا داده پردازی توصیفی تحلیلی درصدد است در دو بخش، پیرامون موضوع مذکور بحث نماید. در بخش اول اطلاعاتی که در منابع رجالی و روایی پیرامون مسائل ذاتی حبابه نقل شده است بحث می‌شود. بخش دوم که مربوط به شخصیت‌شناسی وصفی است دارای دو فصل می‌باشد، در فصل اول به بررسی وثاقت و یا ممدوح بودن حبابه بر اساس کلمات رجالیون متقدم و متأخر پرداخته می‌شود و در فصل سوم نیز شخصیت حبابه والیه از دیدگاه روایات معصومین علیهم‌السلام بررسی می‌گردد.

الف. شخصیت‌شناسی ذاتی

منظور از شخصیت‌شناسی ذاتی، شناختن خود راوی است (نه اوصاف و ویژگی‌هایش) از نظر اطلاعاتی مانند: نام، نام پدر، محل تولد، سال تولد، سال وفات و... است.^۱ در ادامه این خصوصیات را نسبت به حبابه بررسی می‌کنیم.

نام ایشان حبابه الوالیه. به فتح باء و بدون تشدید. بعضی هم به صورت مشدد ضبط کرده‌اند که احتمالاً تصحیف است.^۲ نام پدر او جعفر می‌باشد.^۳ الوالیه، نام مکانی از بیابان‌های یمن بوده که ایشان به آنجا نسبت داده شده است.^۴ در رجال کشی در اولین روایت که ذیل عنوان حبابه والیه از عمران بن میثم نقل شده، او را از قبیله بنی اسد نیز معرفی نموده است.^۵

نام مادر و نام همسر او در منابع رجالی و روایی نقل نشده است. اما طبق گزارش شیخ طوسی در رجال، حبابه دختری به نام فاطمه داشته است که مرحوم شیخ طوسی در زمره ی اصحاب امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) از او نام برده است.^۶

کنیه

چندین کنیه برای ایشان ذکر شده است که عبارتند از:

۱. کلیات فی علم الرجال ص ۱۱.
۲. مرآة العقول، ج ۴، ص ۷۸.
۳. تنقیح المقال فی علم الرجال (رحلی)، ج ۳، ص ۷۴.
۴. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۴، ص ۷۹.
۵. اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۸۲.
۶. الرجال شیخ طوسی، ص ۹۶، رقم ۹۵۸، ص ۱۰۶، رقم ۱۰۵۷.

۱. ام البراء: شیخ طوسی وی را ام البراء یاد کرده است^۱، رجالیون متأخر از جمله: تفرشی^۲، حسینی حلی^۳، اردبیلی^۴، آیه الله خویی^۵ به تکرار آن پرداخته‌اند. مامقانی در تنقیح المقال می‌گوید: بعید است که کنیه حبابه، ام البراء باشد چون کنیه او ام الندی است مگر اینکه بگوییم او دو کنیه داشته است^۶.

۲. ام الندی: برخی دیگر از رجالیون این کنیه را برای او بیان کرده‌اند، از جمله: مامقانی^۷، نمازی شاهرودی^۸، ۳- ام غانم: در اینکه ام غانم همان حبابه والیه است یا فرد دیگری اختلاف است، منشا اختلاف هم این است که جریانی شبیه به هم برای هر دو این اسم (حبابه و ام غانم) در روایات نقل شده است. مرحوم کلینی این دو روایت را پشت سر هم نقل نموده است^۹.

دو دلیل بر اینکه ام غانم و حبابه والیه شخصیت واحدی نبوده‌اند: ۱. شیخ طوسی در کتاب غیبتش قضیه این دو را به طور جداگانه از جمله ادله امامت امام رضا علیه السلام ذکر می‌کند درحالی که اگر به نظر شیخ طوسی، هر دو، یک نفر بودند نباید این چنین بیان می‌نمود. ۲^{۱۰}. احمد بن عبدالعزیز (متوفای ۴۰۱ ق) در کتاب مقتضب الاثر روایتی را در مورد ام سلیم نقل می‌کند و قبل از نقل این روایت می‌گوید: ام سلیم، غیر از ام غانم و حبابه والیه است و مقدم بر این دو است^{۱۱}.

از ظاهر این کلام، متوجه می‌شویم که ایشان هم قائل است به اینکه ام غانم و حبابه دو شخصیت بوده‌اند. مامقانی قائل است به اینکه ام غانم و حبابه متحد نیستند^{۱۲}. علامه مجلسی در مرآه العقول می‌فرماید: ام غانم همان حبابه است به دلیل اینکه در آخر روایت مرحوم کلینی در مورد

۱. الرجال، ص ۱۲۲، رقم ۱۲۲۸.

۲. نقد الرجال، ج ۵، ص ۳۰۵، رقم ۶۵۴۶.

۳. زبدة الاقوال، ص ۴۵۷، رقم ۲۶۷۲.

۴. جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۵۵، رقم ۳۶۱۷.

۵. معجم الرجال، ج ۲۴، ص ۱۹۹، رقم ۱۵۵۸۵.

۶. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰.

۷. تنقیح المقال رحلی، ج ۳، الکنی، ص ۷۴.

۸. مستدرکات علم رجال، ج ۲، ص ۲۹۰، رقم ۳۱۲۱.

۹. کافی، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۳؛ ص ۳۴۷، ح ۴.

۱۰. الغیبه، ص ۷۵ و ۷۶.

۱۱. مقتضب الاثر، ص ۱۸.

۱۲. تنقیح المقال رحلی، ج ۳، ص ۷۵.

ام غانم در کافی این عبارت آمده:

قال إسحاق: قال أبوهاشم الجعفری: و سألته عن اسمه فقال: اسمی مهجع بن الصلت بن عقبة بن سمعان بن غانم بن أمّ غانم، و هی الأعرابیة الیمانیة صاحبة الحصاة التي طبع فيها أمير المؤمنین و السبط إلى وقت أبي الحسن عليه السلام.

علامه مجلسی می‌فرماید: ظاهر از اَبی‌الحسن، امام رضا عليه السلام است.^۱

۱۴۱



ظاهر از استدلال علامه مجلسی (ره) این است که ام غانم مانند حبابه از زمان امیرالمؤمنین عليه السلام تا زمان امام رضا عليه السلام زنده مانده است و بعید است که ام غانم و حبابه دو شخصیت باشند و هر دو چنین عمر طولانی داشته باشند.

به نظر نگارنده با توجه به اوصاف واحدی که در هر دو نفر وجود دارد بعید به نظر می‌رسد که دو شخصیت باشند، اوصافی نظیر: الاعرابیه، الیمانیه، طول عمر (از زمان امیرالمؤمنین تا زمان امام رضا عليه السلام)^۲ ثمره اختلاف یا اتحاد این دو شخصیت، در الحاق روایات ام غانم به حبابه و یا عدم الحاق ظاهر می‌شود.

تاریخ ولادت

طبق روایت مرحوم کلینی و روایت مرحوم شیخ صدوق، سن حبابه در دوران امامت امام سجاد عليه السلام ۱۱۳ سال بوده است و چون روایت مرحوم کلینی مربوط به مهر کردن سنگ ریزه است که توسط هر امامی به عنوان دلیلی بر اثبات امامت، مهر می‌شده است، به احتمال زیاد این روایت مربوط به اوایل دوران امامت امام سجاد عليه السلام است و اگر بگوییم که این دو روایت سن حبابه را در سال ۶۱ هـ ق بیان می‌کند، حبابه ۵۲ سال قبل از هجرت یعنی حدوداً یک سال بعد از عام الفیل و ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متولد شده است.

۱. مرآة العقول، ج ۴، ص ۸۴ و ۸۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۷، آخر روایت شماره ۴.

بررسی سند و دلالت این دو روایت

روایت مرحوم کلینی:^۱

در این روایت که از خود حبابه نقل شده است مربوط به دریافت نشانه امامت از امامان معصوم به جهت ثبوت امامت ایشان می‌باشد. مضمون این روایت چنین است که حبابه از امیرالمومنین علیه السلام خواست تا امامان بعد از آن حضرت را به او معرفی کند و حضرت امیرالمومنین علیه السلام، سنگریزه‌هایی که آنجا بود را با انگشتر مبارک مهر نمود و فرمود که بعد از من هر کسی که توانست این سنگریزه‌ها را مهر کند او امام توسست.

در ادامه روایت و در قسمتی که مربوط به مهر شدن سنگریزه‌ها توسط امام سجاده علیه السلام است،

حبابه می‌گوید: سپس خدمت حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) آمدم در حالی که عمرم طولانی شده بود به حدی که می‌لرزیدم و من در آن روز، ۱۱۳ سال سن داشتم، دیدم آن حضرت در حال رکوع و سجود و مشغول عبادت بود، از گرفتن نشانه امامت ناامید شدم، پس با انگشتمش به من اشاره نمود و جوانی ام به من برگشت.

هرچند این روایت از جهت سندی به علت مجهول بودن سه نفر از راویان^۲، ضعیف است اما باید به این دو نکته توجه نمود: ۱. وجود این روایت در کتاب شریف کافی که از معتبرترین کتب حدیثی شیعه است بر اعتبار آن می‌افزاید؛ ۲. ضعیف به معنای ضعف در سند هست نه اینکه روایت از جهت متن و محتوا نیز مشکل داشته باشد بلکه در بسیاری از موارد (نظیر همین روایت) هرچند روایت از نظر سند ضعیف است اما وقتی متن و محتوای آن خالی از تعارض با اعتقادات قطعی و احادیث صحیح دیگر نباشد، استناد و عمل به آن ایرادی ندارد، بنابراین ضعف در سند به معنای جعلی بودن حدیث نیست.

۱. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَلِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْمَعْرُوفِ بِكَزْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خُذَاهِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الخُثَعَمِيِّ عَنْ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ قَالَتْ ... ثُمَّ أَتَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع وَ قَدْ بَلَغَ بِي الْكِبَرُ إِلَى أَنْ أُوْعِشْتُ وَ أَنَا أُعِدُّ يَوْمَئِذٍ مِائَةً وَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً فَرَأَيْتُهُ رَاكِعاً وَ سَاجِداً وَ مَشْغُولاً بِالْعِبَادَةِ فَيَنْسُتُ مِنَ الدَّلَالَةِ فَأَوْمَأَ إِلَيَّ بِالسَّبَابَةِ فَعَادَ إِلَيَّ شَبَابِي (الكافي ج ۱، ص ۳۴۷ و ۳۴۶).

۲. احمد بن القاسم، احمد بن يحيى و محمد بن خداهي .

روایت مرحوم شیخ صدوق:^۱

در این روایت شریف، امام کاظم علیه السلام از پدرش امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرش امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: (پدرم) علی بن حسین (علیهما السلام) برای حبابه دعا کرد و خداوند جوانی‌اش را به او برگرداند و با انگشتش به حبابه اشاره نمود و در همان وقت حائض شد در حالی که در آن روز ۱۱۳ سال سن داشت.

این روایت از جهت سندی، حسن است^۲

بنابراین روایت مرحوم کلینی در کافی هرچند سندش ضعیف است اما موبدی است بر صحت روایت شیخ صدوق در کمال‌الدین. بنابراین ثابت می‌شود که ایشان در زمان امامت امام سجاده علیه السلام ۱۱۳ سال سن داشته است، در نتیجه ولادت حبابه حدوداً یک سال بعد از عام الفیل بوده است. مطلب دیگری که از این دو روایت شریف ثابت می‌شود این است که حبابه در سن ۱۱۳ سالگی توسط امام سجاده علیه السلام و به معجزه امامت، جوان گردیده است و همین مطلب در اثبات جلالت و عظمت منزلت ایشان که فوق وثاقت است بی‌تأثیر نیست.

طول عمر

در تمام روایاتی که مربوط به مهر زدن سنگریزه‌های حبابه توسط امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام است، نقل شده که ایشان تا زمان امامت امام رضا (صلوات الله علیه) زنده بوده، منابع این روایات به شرح زیر است:

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۳؛ کمال‌الدین ج ۲ ص ۵۳۶، مرحوم شیخ صدوق، این روایت را از شیخ کلینی نقل می‌کند بنابراین سند و متن هر دو روایت یکی است.

۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ دَعَا لَهَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهَا سَبَابَهَا فَأَشَارَ إِلَيْهَا بِأَصْبَعِهِ فَحَاصَتْ لَوْقَتِهَا وَ لَهَا يَوْمئِذٍ مِائَةٌ سَنَةٍ وَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً؛ (کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۳۷).

۲. تمامی راویان ثقة‌اند غیر از محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام که ممدوح است بنابراین از جهت سند حسن است.

۲. الکافی ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۴ (روایت ام غانم).

۳. الهدایة الكبرى، ص ۱۶۷.

۴. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۱، ص ۲۹۹.

متن این روایات در ضمن سایر مباحث می آید. علاوه بر این روایات، در آخر روایت اول رجال کشی در ذیل عنوان حبابه والبیه، عبارتی از خود کشی هست که دلالت بر همین مطلب دارد^۱. در آخر روایتی که در کافی، کمال الدین و مناقب ابن شهر آشوب نقل شده، این عبارت آمده: عَاشَتْ حَبَابَةُ بَعْدَ ذَلِكَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ، یعنی حبابه نه ماه بعد از اینکه سنگریزه هایش توسط امام رضا علیه السلام مهر شد، از دنیا رفت و چون این مهر کردن سنگریزه ها معمولا در اوایل امامت هر امام به منظور اثبات یک از نشانه های امامت انجام می شده، می توان نتیجه گرفت که حبابه حدودا نه ماه بعد از به امامت رسیدن امام رضا علیه السلام از دنیا رفته است.

این روایات به ضمیمه روایتی که سن حبابه را در زمان امامت امام سجاده علیه السلام یعنی سال ۶۱ ه ق، ۱۱۳ سال بیان می کرد^۲ (که در قسمت تاریخ ولادت ذکر شد) و با توجه به این که دوران امامت امام رضا علیه السلام از سال ۱۸۳ ه ق شروع می شود، مشخص می گردد طول عمر حبابه حدودا ۲۳۶ سال بوده است.

مامقانی طول عمر حبابه را بین ۲۰۶ سال تا ۲۴۲ سال می داند^۳ اما وجه این کلام مامقانی مشخص نیست.

۱. اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی (مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی)، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. الکافی ج ۱، ص ۳۴۷ و ۳۴۶؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۳۷.

۳. تنقیح المقال رحلی، ج ۳، ص ۷۵.

ب. شخصیت‌شناسی وصفی

شخصیت‌شناسی وصفی به معنای شناختن راوی از جهت وثاقت، عدم وثاقت، ممدوح بودن، ضعیف بودن و... است^۱ و در این بخش شخصیت وصفی حبابه را در دو فصل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. شخصیت‌شناسی وصفی در منابع رجالی

در این فصل کلمات رجالیون متقدم و متأخر پیرامون وثاقت و یا ممدوح بودن حبابه را نقل می‌کنیم و در پایان هم نظر نگارنده بیان می‌شود.

نظر رجالیون متقدم

حبابه والیه در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی معنون نشده، به علت اینکه صاحب کتاب اصل نبوده است. اما شیخ طوسی (ره) در رجال نام او را در زمره اصحاب امام حسن^۲، اصحاب امام سجاد^۳ و اصحاب امام باقر^۴ ذکر کرده و فاطمه دختر حبابه را جزء اصحاب امام حسن^۵ و اصحاب امام حسین^۶ آورده است، درحالی که ذکر نام حبابه در زمره اصحاب امام حسین^۷، با توجه به روایاتی که ارتباط زیاد ایشان با سیدالشهدا^۸ را گزارش کرده اند، اولویت دارد.

برقی در رجال نام او را در زمره زنانی که از امام حسن^۹ و امام سجاد^{۱۰} و امام باقر^{۱۱} روایت نقل کرده‌اند آورده است.^{۱۲} در رجال کشی دو روایت در مورد او نقل شده^{۱۳} که برخی از رجالیون ممدوح بودن حبابه را از این دو روایت برداشت نموده‌اند؛ مانند تفرشی.^{۱۴}

ترجمه روایت اولی^۱ که کشی در ذیل عنوان حبابه والیه نقل کرده است، به این بیان است:

۱. کلیات فی علم الرجال، ص ۱۱.

۲. ص ۹۴، رقم ۹۳۰.

۳. ص ۱۲۲، رقم ۱۲۲۸.

۴. ص ۱۵۴، رقم ۱۶۹۶.

۵. ص ۹۶، رقم ۹۵۸.

۶. ص ۱۰۶، رقم ۱۰۵۷.

۷. ص ۶۲ و ۶۳.

۸. رقم ۱۸۲ و ۱۸۳.

۹. نقد الرجال ج ۵، ص ۳۷۰، رقم ۶۵۷۰.

عمران بن میثم می‌گوید: من و عبایه اسدی بر خانمی از بنی اسد که به او حبابه والیه می‌گفتند داخل شدیم، عبایه به حبابه گفت: می‌دانی این جوانی که همراه من هست، کیست؟ حبابه گفت: نه، عبایه گفت: پسر برادرت میثم تمار (منظور برادر ایمانی است نه برادر نسبی) حبابه گفت: بله به خدا قسم (میثم) برادرم بود، سپس حبابه گفت: آیا می‌خواهید حدیثی برایتان از ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام نقل کنم، گفتیم: بله، حبابه گفت: از امام حسین علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: ما و شیعیانمان بر همان فطرتی هستیم که خداوند بر آن فطرت، محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث نمود و بقیه مردم از آن فطرت جدا و بیزار هستند.

مرحوم کشی در ذیل این روایت می‌گوید: حبابه، امیرالمومنین علیه السلام را درک نمود و بنابر آنچه به من رسیده تا زمان امام رضا علیه السلام زنده بوده و خداوند دانایانتر است.

هرچند سند این روایت شریف صحیح است، ولی حبابه فقط سخنی از سیدالشهدا علیه السلام را نقل کرده است و هیچ دلالتی بر وثاقت یا مدح ایشان ندارد.

صدر روایت دوم^۲ تقریباً مطابق روایت اول است اما در ادامه روایت دوم نقل شده که امام

۱. محمد بن مسعود، قال: حدثني جعفر بن أحمد، قال: حدثني العمرقي عن الحسن بن علي بن فضال، عن ثعلبة بن ميمون، عن عنيسة بن مصعب، و علي ابن المغيرة، عن عمران بن میثم، قال: دخلت أنا و عبایة الاسدي على امرأة من بني أسد يقال لها: حبابة الوالبية، فقال لها عبایة: تدرين من هذا الشاب الذي معي؟ قالت: لا، قال: مه ابن أخيك میثم. قالت: أي و الله أي و الله. ثم قالت: أ لا أحدثكم بحديث سمعته من أبي عبد الله الحسين بن علي علیه السلام قلنا بلى، قالت: سمعت الحسين بن علي علیه السلام يقول: نحن و شيعتنا على الفطرة التي بعث الله عليها محمدا صلی الله علیه و آله و آله و سائر الناس منها براء، و كانت قد أدركت أمير المؤمنين علیه السلام و عاشت الى زمان الرضا علیه السلام على ما بلغنى. و الله أعلم؛ (اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي، ج ۱، ص ۳۳۱).

۲. حمدويه، عن محمد بن عيسى، عن ابن أبي نجران، عن اسحاق بن سويد الفراء، عن اسحاق بن عمار، عن صالح بن میثم، قال: دخلت أنا و عبایة الاسدي على حبابة الوالبية، فقال لها: هذا ابن أخيك میثم، قالت: ابن اخي و الله حقا، أ لا أحدثكم بحديث عن الحسين بن علي صلی الله علیه و آله عليه و آله، فقلت: بلى. قالت: دخلت عليه و سلمت فرد السلام و رحب ثم قال: ما بطأ بك عن زيارتنا و

حسین علیه السلام از حبابه سوال می‌کند که چه چیزی تو را از زیارت ما دور نموده؟ حبابه بیماری برص که به آن مبتلا شده را علت عدم مراجعه بیان می‌کند و سپس توسط سیدالشهداء علیه السلام شفا می‌یابد.

از روایت دوم فهمیده می‌شود که حبابه از جمله کسانی بوده که ارتباط زیادی با سیدالشهداء علیه السلام داشته است چون در غیر این صورت نمی‌بایست آن حضرت از علت تأخیرش سوال می‌نمود، علاوه بر این، شفا گرفتن او از سیدالشهداء علیه السلام نشان از جایگاه ویژه حبابه نزد آن حضرت دارد.

بنابراین با وجود ضعف سند روایت دوم^۱، اما به دلیل اینکه مضمون این روایت، (ارتباط زیاد با سیدالشهدا سلام الله علیه و شفا گرفتن از آن حضرت) به وسیله روایت صحیح ابوبصیر^۲ و روایت صالح بن میثم^۳ در بصائر (که در مباحث آتی ذکر می‌شود^۴) تأیید می‌گردد، دلیل بودنش را بر وثاقت و یا حداقل مدح حبابه می‌پذیریم.

علامه حلی در رجال خود، حبابه را به ممدوح بودن توصیف می‌نماید^۵.

نظر رجال یون متأخر

شیخ حر عاملی درباره او می‌گوید: کشی و غیرکشی، مدح و نیکویی حال حبابه را نقل کرده‌اند، او کسی است که از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام تا زمان امام رضا علیه السلام باقی ماند و از تمام این ائمه علیهم السلام

التسلیم علینا یا حبابة؟ قلت: ما بطأني الا علة عرضت، قال: و ما هي؟ قالت: فكشفت خمالي عن برص. قالت: فوضع يده على البرص و دعا فلم يزل يدعو حتى رفع يده، و كشف الله ذلك البرص، ثم قال: يا حبابة أنه ليس أحد على ملة ابراهيم في هذه الامة غيرنا و غير شيعتنا، و من سواهم منها براء. (اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي مع تعليقات مير داماد الأسترآبادي، ج ۱، ص ۳۳۲)

۱. به علت مجهول بودن اسحاق بن سويد.

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۴.

۳. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۶.

۴. روایت صحیح ابوبصیر در قسمت نظر نگارنده می‌آید و روایت صالح بن میثم در قسمت شخصیت‌شناسی وصفی در منابع روایی در شفاگرفتن حبابه از ائمه علیهم السلام حدیث دوم ذکر می‌شود.

۵. ص ۹۸، رقم ۳۷۰.

روایت نقل نمود و بر معجزاتشان اطلاع داشت.^۱

عبدالنبی کاظمی در تکمله الرجال بعد از نقل روایت حبابه در کافی می‌گوید: این روایت دلالت دارد بر بلندی شأن و جلالت او که بالاتر از عدالت و وثاقت است. هرچند ناقل این روایت خود اوست ولی شواهدی بر صدق این روایت وجود دارد.^۲

مامقانی در تنقیح المقال سه مورد از مواردی که نشان از بزرگی مقام و جایگاه حبابه دارد، بیان می‌کند:

۱. شیخ طوسی (رحمه الله علیه) نقل کرده است که امام رضا علیه السلام او را در لباس خودش کفن نمود.^۳

هرچند ممکن است این اشکال به ذهن بیاید که این گزارش را سندی همراهی نکرده و مصدرش نیز معلوم نیست ولی به احتمال زیاد منظور مرحوم شیخ طوسی از این عبارت، قسمتی از روایت دیلمی در ارشاد القلوب است که نقل شده هنگام وفات حبابه، شخصی از طرف امام رضا علیه السلام آمد و برای حبابه کفن و حنوط آورد و خود امام رضا علیه السلام بر بدنش نماز خواند و بر او گریست.^۴

۲. در یکی از زیارات امیرالمومنین علیه السلام در روز ۱۷ ربیع الاول این جمله نقل شده است: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاتِمَ الْخَصَى وَ مُبَيِّنَ الْمُشْكِلَات. که نشان از اهمیت ماجرای حبابه و مهر شدن سنگریزه‌های او به دست امیرالمومنین علیه السلام دارد.^۵

این زیارت شریف توسط امام صادق علیه السلام ایراد گردیده و توسط محمد بن مسلم نقل شده است.

۳. بنابر روایت مرحوم کلینی، عمر طولانی حبابه یکی از معجزات و خوارق عادات است، سن ایشان در ابتدای امامت امام سجاده علیه السلام که سال ۶۱ هجری بوده، ۱۱۳ سال نقل شده است و بعد از

۱. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۳۳۷.

۲. تکمله الرجال، ج ۲، ص ۷۱۱.

۳. الغیبه شیخ طوسی، ص ۷۶.

۴. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۹۰.

۵. المزار الکبیر لابن المشهدی، ص ۲۰۸.

آن، حیات ایشان تا زمان امامت امام رضا علیه السلام ادامه پیدا کرده است.^۱

آیت‌الله خویی در ذیل ترجمه حبابه، فقط به نقل روایات کشی و مرحوم کلینی می‌پردازد و قضاوتی در مورد ایشان بیان نمی‌کند.^۲

طبق صحیحه‌ی ابی‌بصیر از امام صادق علیه السلام که محمد بن حسن صفار در بصائر نقل کرده است وثاقت و جلالت او ثابت می‌شود. متن روایت:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
 الثُّعْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ كَانَتْ إِذَا وَفَدَ النَّاسُ إِلَى مُعَاوِيَةَ وَفَدَتْ
 هِيَ إِلَى الْحُسَيْنِ ع وَ كَانَ [كَانَتْ] امْرَأَةً شَدِيدَةَ الْاجْتِهَادِ وَ قَدْ يَسَّرَ
 جِلْدُهَا عَلَى بَطْنِهَا مِنَ الْعِبَادَةِ وَ أَنَّهَا خَرَجَتْ مَرَّةً وَ مَعَهَا ابْنُ عَمٍّ لَهَا عَلَامٌ
 فَدَخَلَتْ بِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ ع فَقَالَتْ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَانظُرْ هَلْ تَجِدُ
 ابْنَ عَمِّي هَذَا فِيمَا عِنْدَكُمْ وَ هَلْ تَجِدُهُ نَاجٍ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ نَجِدُهُ عِنْدَنَا وَ
 نَجِدُهُ نَاجٍ.^۳

بررسی سند: تمامی راویان این روایت توثیق دارند (اعم از توثیق عام یا خاص) بنابراین از جهت سند صحیح است.

بررسی دلالت: طبق این روایت شریف، پای بندی و ثابت قدمی حبابه نسبت به امامت سیدالشهدا علیه السلام در زمانی که مردم به معاویه گرایش داشتند بیانگر ایمان راسخ و قوی او است و همچنین بر کثرت و شدت عبادت او تا جایی که پوستش به بدنش چسبیده باشد، دلالت دارد.

بنابراین به نظر نگارنده این روایت صحیح از امام صادق علیه السلام، مقامی فوق وثاقت را برای ایشان ثابت می‌کند.

۱. تنقیح المقال (رحلی)، ج ۳، ص ۷۵.

۲. معجم رجال الحديث، ج ۲۴، ص ۲۱۱، رقم ۱۵۶۳۶.

۳. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۴.

۲. شخصیت‌شناسی حبابه در منابع روایی

در این فصل روایاتی که جایگاه و منزلت حبابه را بیان می‌کند و به نوعی دلالت بر توجه معصومین علیهم‌السلام به او را دارد، نقل می‌کنیم.

یک. ارتباط زیاد حبابه با دو امام معصوم علیهم‌السلام

چندین روایت با اسناد مختلف و در منابع متفاوت بر این عنوان دلالت دارد.

روایت اول: صحیح ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام در بصائر: ^۱ در انتهای قسمت شخصیت‌شناسی وصفی در منابع رجالی، بیان شد و گفتیم که از لحاظ سندی صحیح است و عبارت «أَنَّ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ كَانَتْ إِذَا وَفَدَ النَّاسُ إِلَى مُعَاوِيَةَ وَفَدَتْ هِيَ إِلَى الْحُسَيْنِ علیه‌السلام...» دلالت بر ارتباط دائمی او با سیدالشهداء علیه‌السلام در زمان حکومت معاویه دارد.

روایت دوم: روایت صالح بن میثم در بصائر الدرجات: ^۲ در این روایت صالح بن میثم از حبابه نقل می‌کند که گفت: من زیاد به زیارت حسین بن علی علیه‌السلام می‌رفتم تا اینکه بین دو چشمم سفیدی پیدا شد و دیگر کار بر من سخت گردید و مدتی از زیارت آن بزرگوار محروم شدم. پس حضرت از حال من جويا شده بودند، اصحاب گفته بودند: در میان دو چشمش چیزی پیدا شده، امام علیه‌السلام به اصحابشان فرموده بودند: برخیزید تا نزد حبابه برویم، پس با یاران خود بر من داخل شدند و من در همین جا که نماز می‌خواندم بودم. امام علیه‌السلام به من فرمودند: چه چیزی تو را از ما دور کرده است؟...»

عبارات «كُنْتُ زَوَّارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام» و «فَقَالَ يَا حَبَابَةُ مَا أَبْطَأَ بِكَ عَلِيٌّ» دلالت بر ارتباط زیاد با سیدالشهداء علیه‌السلام دارد زیرا در غیر این صورت نمی‌بایست امام حسین علیه‌السلام از علت تأخیرش سوال می‌نمود و علاوه بر اینکه آمدن سیدالشهداء علیه‌السلام به عیادت او، دلیل دیگر بر این مطلب است.

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۴.

۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَبَّاحِ الْمُرَزَبِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ مَيْثَمِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: قَالَتْ كُنْتُ زَوَّارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَتْ فَحَدَّثَ بَيْنَ عَيْنَيْ وَضَحٌ فَشَقُّ ذَلِكَ عَلَيَّ وَ اخْتَبَشْتُ عَلَيْهِ أَبَا مَا فَسَّالَ عَنِّي مَا فَعَلْتَ حَبَابَةُ الْوَالِيَّةُ فَقَالُوا إِنَّهَا حَدَّثَتْ [بِهَا حَدَّثَتْ] بَيْنَ عَيْنَيْهَا فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ قَوْمُوا إِلَيْهَا فَجَاءَ مَعَ أَصْحَابِهِ حَتَّى دَخَلَ عَلَيَّ وَ أَنَا فِي مَسْجِدِي هَذَا فَقَالَ يَا حَبَابَةُ مَا أَبْطَأَ بِكَ عَلِيٌّ... (بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۷۱).



روایت سوم: روایت صالح بن میثم در رجال کشی: ^۱ در فصل شخصیت‌شناسی وصفی در گفتار نظرات رجال‌یون متقدم به این روایت اشاره کردیم و گفتیم که عبارت «ما بَطَّأ بك عن زیارتنا و التسلیم علینا» دلالت بر ارتباط زیاد حبابه با سیدالشهداء علیه السلام دارد چون در غیر این صورت نمی‌بایست سیدالشهداء علیه السلام از علت تأخیرش سوال می‌کرد.

روایت چهارم: مرفوعه علی بن ابراهیم از علی بن معبد در بصائر الدرجات: ^۲

در این روایت علی بن معبد به صورت مرفوع نقل می‌کند که حبابه بر امام باقر علیه السلام وارد شد، امام باقر علیه السلام از علت دیر آمدنش سوال کرد، حبابه گفت: یک سفیدی در سرم عارض شده که مرا نگران و ناراحت نموده. و بعد توسط آن حضرت شفا یافت. عبارت «یا حَبَابَةُ مَا الَّذِي أَبْطَأَكَ» دلالت بر ارتباط زیاد او با امام باقر علیه السلام دارد زیرا در غیر این صورت، امام از علت تأخیرش سوال نمی‌کرد.

بنابراین، روایت اول و دوم و سوم دلالت بر ارتباط زیاد او با امام حسین علیه السلام دارد، علاوه بر صحیح بودن روایت اول، وجود سه طریق متفاوت آن هم در کتاب بصائر الدرجات و رجال کشی که از منابع معتبر هستند، ارتباط زیاد او را با امام حسین علیه السلام ثابت می‌کند. روایت چهارم بر ارتباط زیاد او با امام باقر علیه السلام دلالت دارد.

۱. حَمْدَوَيْهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ سُوَيْدِ الْفَرَّاءِ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ مَيْثَمٍ، قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ عَبَّابَةُ الْأَسَدِيَّ عَلَى حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ، فَقَالَ لَهَا هَذَا ابْنُ أَخِيكَ مَيْثَمٌ، قَالَتْ ابْنُ أَخِي وَ اللَّهُ حَقًّا، أَلَا أُحَدِّثُكُمْ بِحَدِيثٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام فَقُلْتُ بَلَى. قَالَتْ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمْتُ فَرَدَّ السَّلَامَ وَ رَحَّبَ ثُمَّ قَالَ مَا بَطَّأ بِكَ عَنْ زِيَارَتِنَا وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْنَا يَا حَبَابَةُ قُلْتُ مَا بَطَّأَنِي إِلَّا عِلَّةٌ عَرَضَتْ، قَالَ وَ مَا هِيَ قَالَتْ فَكَشَفْتُ خِمَارِي عَنْ بَرَصٍ، قَالَتْ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْبَرَصِ وَ دَعَا فَلَمْ يَزَلْ يَدْعُو حَتَّى رَفَعَ يَدَهُ وَ كَشَفَ اللَّهُ ذَلِكَ الْبَرَصَ، ثُمَّ قَالَ يَا حَبَابَةُ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ غَيْرُنَا وَ غَيْرُ شِعْتِنَا وَ مَنْ سِوَاهُمْ مِنْهَا بِرَاءً (رجال الكشي، ص ۱۱۵).

۲. حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ يَرْفَعُهُ قَالَ: دَخَلْتُ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ يَا حَبَابَةُ مَا الَّذِي أَبْطَأَكَ قَالَتْ قُلْتُ بِيَاضُ عَرَضَ لِي فِي مَفْرَقِ رَأْسِي كَثُرَتْ لَهُ هُمُومِي فَقَالَ يَا حَبَابَةُ أَذْنِبِيهِ قَالَ فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَوَضَعَ يَدَهُ فِي مَفْرَقِ رَأْسِي ثُمَّ قَالَ اتُّنُوا لَهَا بِالْمِرْمَاةِ فَأُتِيَتْ الْمِرْمَاةُ فَتَنَطَّرَتْ فَإِذَا شَعْرُ مَفْرَقِ رَأْسِي قَدْ اسْوَدَّ فَسِرْرْتُ بِذَلِكَ وَ سَرَّ أَبُو جَعْفَرٍ ع بِسُرُورِي. (بصائر الدرجات؛ ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۳).

دو. شفا گرفتن او از چهار امام معصوم علیهم السلام

روایت اول: روایت صالح بن میثم در بصائر الدرجات: ^۱ صدر این روایت شریف در گفتار ارتباط زیاد با معصومین علیهم السلام در روایت دوم بیان شد. مضمون ادامه روایت این چنین است: وقتی امام حسین علیه السلام به همراه اصحابشان به عیادت حبابه آمدند و آن حضرت از علت نیامدن حبابه به زیارتشان پرسیدند، حبابه بیماریش را علت ترک زیارت آن حضرت بیان کرد و سپس سیدالشهدا علیهم السلام آب دهان مبارکش را بر موضع بیماری او قرار دادند و حبابه شفا گرفت.

روایت دوم: روایت صالح بن میثم در رجال کشی ^۲

در فصل شخصیت‌شناسی وصفی در منابع رجالی و در گفتار منابع رجالی متقدم، در ذیل روایت دوم رجال کشی بیان شد و عبارت «فوضع یده علی البرص و دعا فلم یزل یدعو حتی رفع یده، و كشف الله ذلك البرص» بر شفا گرفتن او از امام حسین علیه السلام دلالت دارد.

روایت سوم: روایت محمد بن جریر طبری در دلائل الامامه از امام باقر علیه السلام: ^۳ در این روایت جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: روزی حبابه والیه در حالی که گریه

۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَبَّاحِ الْمُزَنِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ مَيْمَنٍ الْأَسَدِيِّ قَالَ: قَالَتْ فَحَدَّثَتْ بَيْنَ عَيْنَيْ وَضَحَ فَشَقَى ذَلِكَ عَلَيَّ وَ اخْتَبَسْتُ عَلَيْهِ أَيَّاماً فَسَأَلَ عَنِّي مَا فَعَلْتَ حَبَابَةُ الْوَالِيَّةِ فَقَالُوا إِنَّهَا حَدَّثَتْ [بِهَا حَدَّثَتْ] بَيْنَ عَيْنَيْهَا فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ قَوْمُوا إِلَيْهَا فَجَاءَ مَعَ أَصْحَابِهِ حَتَّى دَخَلَ عَلَيَّ وَ أَنَا فِي مَسْجِدِي هَذَا فَقَالَ يَا حَبَابَةُ مَا أَبْطَأَ بِكَ عَلَيَّ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا ذَلِكَ الَّذِي مَنَعَنِي إِنْ لَمْ أَكُنْ اضْطَرَرْتُ إِلَى الْمَجِيءِ إِلَيْكَ اضْطَرَاراً لَكِنْ حَدَّثْتُ هَذَا بِي قَالَ [قَالَتْ] فَكَشَفْتُ الْقِنَاعَ فَتَقَلَّ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع فَقَالَ يَا حَبَابَةُ أَخَذْتِي لِلَّهِ شُكْرًا فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَرَأَهُ عِنَّا قَالَتْ فَخَرَزْتُ سَاجِدَةً قَالَتْ فَقَالَ يَا حَبَابَةُ ارْزُقِي رَأْسَكَ وَ انْظُرِي فِي مِرَاتِكَ قَالَتْ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَلَمْ أَحْسْ مِنْهُ شَيْئاً قَالَتْ فَحَمَدْتُ اللَّهَ (بصائر الدرجات ج ۱، ص ۲۷۱).

۲. رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال؛ النص؛ ص ۱۱۵

۳. أَحَبْرَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَثْنَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: دَخَلْتُ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ ذَاتَ يَوْمٍ عَلَيَّ بِنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ هِيَ تَبْكِي، فَقَالَ لَهَا: مَا يُبْكِيكِ؟ قَالَتْ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَهْلُ الْكُوفَةِ يَقُولُونَ: لَوْ كَانَ عَلَيُّ ابْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامَ عَدْلٍ مِنَ اللَّهِ كَمَا تَقُولِينَ لَدَعَا اللَّهُ أَنْ يَذْهَبَ هَذَا الَّذِي فِي وَجْهِكَ. قَالَ: فَقَالَ لَهَا: يَا حَبَابَةُ، اذْنِي مِنِّي. فِدْتُ مِنْهُ، فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَيَّ وَجْهَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ، ثُمَّ قَالَ: يَا حَبَابَةُ، قَوْمِي وَ اذْخُلِي إِلَى النَّسَاءِ فَسَلِّمِي عَلَيَّهِنَّ، وَ انْظُرِي فِي الْمِرَاةِ، هَلْ تَرَيْنَ بِوَجْهِكَ شَيْئاً. قَالَتْ: فَدَخَلْتُ عَلَى النَّسَاءِ، فَسَلَّمْتُ عَلَيَّهِنَّ، ثُمَّ نَظَرْتُ فِي الْمِرَاةِ فَكَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ فِي وَجْهِ شَيْئاً مِمَّا كَانَ وَ كَانَ بِوَجْهِهَا بَرَصٌ (دلائل الإمامة، ص ۲۱۳).

می‌کرد بر امام سجاده علیه السلام داخل شد، امام سجاده علیه السلام به او فرمود: چه چیزی تو را گریانده؟ حبابه گفت: جانم به فدای شما ای پسر رسول خدا، اهل کوفه می‌گویند: اگر علی بن الحسین (علیهما السلام) امام از جانب خداست همانطور که تو اعتقاد داری، دعا می‌کرد تا این بیماری از صورت برطرف می‌شد، امام سجاده علیه السلام به او فرمود: نزدیک بیا، پس حبابه به آن حضرت نزدیک شد و حضرت دستش را سه بار بر صورت حبابه کشید و کلامی را به صورت پنهان گفت، سپس فرمود: ای حبابه برخیز و به نزد زن‌ها برو و بر آنها سلام کن و در آینه نگاه کن، آیا در صورتت چیزی می‌بینی؟ حبابه گفت: بر زن‌ها داخل شدم و بر آنها سلام کردم و در آینه نگاه کردم گویا از آن بیماری که در صورتم بود خداوند چیزی قرار نداده است.

روایت چهارم: روایت ابن شهر آشوب در مناقب: ^۱ این روایت از حبابه نقل شده است که گفت: بر امام سجاده علیه السلام داخل شدم در حالی که در صورتم سفیدی (برص) بود، پس حضرت دستش را بر صورتم گذاشت و آن سفیدی از بین رفت، سپس فرمود: ای حبابه غیر از ما و شیعیان ما کسی بر آیین ابراهیم نیست و سایر مردم از آیین ابراهیم جدا و بیزار هستند.

روایت پنجم: مرفوعه علی بن معبد در بصائر الدرجات: ^۲ مضمون این روایت در گفتار ارتباط زیاد با دو امام معصوم و در روایت چهارم بیان شد و گفتیم که این روایت بر شفا گرفتن حبابه از امام باقر علیه السلام دلالت دارد.

روایت ششم: روایت داود بن کثیر رقی در طب الائمه علیهم السلام: ^۱ داود بن کثیر رقی می‌گوید نزد امام صادق علیه السلام بودم که حبابه والیه داخل شد... اشک از چشمانش جاری شد، امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. أَبُو الْفَضْلِ الشَّيْبَانِيُّ فِي أَمَالِيهِ وَ أَبُو إِسْحَاقَ الْعَدْلُ الطَّبْرِيُّ فِي مَنَاقِبِهِ عَنِ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ قَالَتْ دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع وَ كَانَ يَوْجُهِي وَصَحَّ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ فَذَهَبَ قَالَتْ ثُمَّ قَالَ يَا حَبَابَةُ مَا عَلَى مَلَّةِ إِبْرَاهِيمَ غَيْرُنَا وَ غَيْرَ شِيعَتِنَا وَ سَائِرِ النَّاسِ مِنْهُمْ بَرَاءً. (مناقب آل أبي طالب علیهم السلام لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۳۲).

۲. حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ يَرْفَعُهُ قَالَ: دَخَلْتُ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ يَا حَبَابَةُ مَا الَّذِي أَبْطَأَكَ قَالَتْ قُلْتُ بِيَاضٍ عَرَضَ لِي فِي مَفْرَقِ رَأْسِي كَثُرَتْ لَهُ هُمُومِي فَقَالَ يَا حَبَابَةُ أَذْنِيبِيهِ قَالَ فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَوَضَعَ يَدَهُ فِي مَفْرَقِ رَأْسِي ثُمَّ قَالَ ائْتُوا لَهَا بِالْمِرْآةِ فَاتَيْتُ الْمِرْآةَ فَتَنظَرْتُ فَإِذَا شَعْرُ مَفْرَقِ رَأْسِي قَدْ اِسْوَدَّ فَسَرَزْتُ بِذَلِكَ وَ سَرَّ أَبُو جَعْفَرٍ ع بِسُرُورِي؛ (بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۳).

چه شده که تو را گریان می‌بینم؟ گفت: ای پسر رسول خدا بیماری بر من ظاهر شده است و نزدیکانم و خانواده‌ام در مورد من می‌گویند اگر امامش همانطور که او اعتقاد دارد، هست و اطاعتش از جانب خداوند واجب است برایش دعا می‌کرد و خداوند او را شفا می‌داد، در حالی که من با این مریضی خوشحال هستم و می‌دانم که این درد پاک کننده من و کفاره گناهان من است و این بیماری، بیماری صالحین است. امام صادق علیه السلام به حبابه فرمود: قبلا این بیماری را داشته‌ای؟ حبابه گفت: بله، پس حضرت لبانش را به دعایی تکان داد که نفهمیدم چه دعایی می‌خواند، سپس فرمود: به اتاق خانم‌ها برو تا به بدنت نگاه کنند، داود بن کثیر می‌گوید حبابه به اتاق زن‌ها رفت و لباس‌هایش را باز کرد و اثری از بیماری در بدنش نبود، امام صادق علیه السلام به او فرمود: الان نزد خانواده و نزدیکانت برو و بگو این همان امامی است که بواسطه امامتش به خدا نزدیک می‌شوم.

نکته: از اینکه حبابه در پاسخ به سوال امام صادق علیه السلام گفت که این بیماری در من سابقه داشته، مشخص می‌شود، روایاتی که وجود این بیماری در دوران امامان پیشین و شفا یافتن حبابه را بیان می‌کنند، یک واقعه نبوده بلکه چندین بار حبابه به این بیماری مبتلا گردیده و هر بار توسط معصومین علیهم السلام شفا یافته است.

بنابراین، از این شش روایت، دو روایت اول دلالت بر شفا گرفتن او از امام حسین علیه السلام دارد و هرچند از جهت سند صحیح نیستند، اما وجود دو طریق در دو منبع معتبر روایی (بصائر الدرجات و رجال کشی) احتمال صدور این معجزه را از امام حسین علیه السلام در مورد حبابه زیاد می‌کند. روایت سوم و چهارم نیز در مورد شفاگرفتن از امام سجاد علیه السلام هست و همان دو قرینه اینجا هم وجود دارد (دو

۱. أَحْمَدُ بْنُ الْمُنْذِرِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَ فَدَخَلْتُ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةَ... فَسَأَلْتُ دُمُوعَهَا فَقَالَ الصَّادِقُ عَ مَا لِي أَرَى عَيْنَيْكَ قَدْ سَأَلْتَا؟ قَالَتْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ دَاءٌ قَدْ ظَهَرَ بِي مِنَ الْأَدْوَاءِ الْخَبِيثَةِ الَّتِي كَانَتْ تُصِيبُ الْأَنْبِيَاءَ عَ وَ الْأَوْلِيَاءَ وَ إِنَّ قَرَابَتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي يَقُولُونَ قَدْ أَصَابَتْهَا الْخَبِيثَةُ وَ لَوْ كَانَ صَاحِبُهَا كَمَا قَالَتْ مُفْرُوضِ الطَّاعَةِ لَدَعَا لَهَا فَكَانَ اللَّهُ تَعَالَى يُذْهِبُ عَنْهَا وَ أَنَا وَ اللَّهُ سُرِرْتُ بِذَلِكَ وَ عَلِمْتُ أَنَّهُ تَمَجِيسٌ وَ كَفَارَاتٌ وَ أَنَّهُ دَاءٌ الصَّالِحِينَ فَقَالَ لَهَا الصَّادِقُ عَ قَالَ أَقْدَمَ [قَالُوا قَدْ] أَصَابَتْكَ؟ قَالَتْ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ فَحَرَكَ الصَّادِقُ عَ شَفْتَيْهِ بِشَيْءٍ مَا أَدْرِي أَيُّ دَعَاءٍ كَانَ فَقَالَ ادْخُلِي دَارَ النِّسَاءِ حَتَّى تَنْظُرِينَ إِلَى جَسَدِكَ قَالَ فَدَخَلْتُ فَكَشَفْتُ عَنْ نِيَابِهَا ثُمَّ قَامَتْ وَ لَمْ يَبْقَ فِي صَدْرِهَا وَ لَا فِي جَسَدِهَا شَيْءٌ فَقَالَ اذْهَبِي الْآنَ إِلَيْهِنَّ وَ قُولِي لَهُمْ هَذَا الَّذِي يَنْقَرُبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِإِمَامَتِهِ. (طب الأئمة علیهم السلام، ص ۱۰۴).

طریق و وجود در دو منبع روایی). روایت پنجم و ششم هم به ترتیب شفا گرفتن حبابه را از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بیان می‌کند که روایت ششم معتبر است

سه. جوان شدن او توسط دو امام معصوم (امام سجاد و امام رضا علیهما السلام)

روایت اول: روایت مرحوم کلینی در کافی: ^۱ مضمون این روایت شریف در بخش شخصیت‌شناسی ذاتی و در قسمت تاریخ ولادت بیان شد و گفته شد که در هنگام مراجعه حبابه به امام سجاد علیه السلام به جهت دریافت نشانه امامت، به دعای آن حضرت جوان گردید.

۱۵۵



روایت دوم: روایتی که مرحوم شیخ صدوق از امام باقر علیه السلام در کمال‌الدین نقل کرده است. ^۲ آن را در بخش شخصیت‌شناسی ذاتی و در قسمت تاریخ ولادت نقل کردیم که بر جوان شدن او در سن ۱۱۳ سالگی توسط امام سجاد علیه السلام دلالت دارد و از جهت سندی نیز حسن است.

روایت سوم: روایت خصیبی در هدایه الکبری: ^۳ در این روایت از حبابه نقل شده است که وقتی

۱. عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْمَعْرُوفِ بِكَرْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خُذَاهِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخُنَعَمِيِّ عَنْ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ قَالَتْ... ثُمَّ أَتَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَ وَ قَدْ بَلَغَ بِي الْكِبَرُ إِلَى أَنْ أُرْعَشْتُ وَ أَنَا أَعْدُ يَوْمَئِذٍ مِائَةً وَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً فَرَأَيْتُهُ رَاكِعًا وَ سَاجِدًا وَ مَشْغُولًا بِالْعِبَادَةِ فَيَبْسُتُ مِنَ الدَّلَالَةِ فَأَوْمَأَ إِلَيَّ بِالسَّبَابَةِ فَعَادَ إِلَيَّ سَبَابِي... (الكافي، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۳).

۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَ أَنَّ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ دَعَا لَهَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهَا سَبَابَهَا فَأَشَارَ إِلَيْهَا بِإصْبَعِهِ فَحَاصَتْ لَوْفَتِهَا وَ لَهَا يَوْمَئِذٍ مِائَةٌ سَنَةً وَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً (كمال‌الدین و تمام‌النعمة ج ۲ ص ۵۳۷).

۳. عَنْهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الْمُفَضَّلِ الْمُخْلُولِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى الْقُرَنِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ طَبَّيَانَ عَنْ أَبِي خَالِدِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ رُشَيْدِ الْهَجْرِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ... قَالَتْ حَبَابَةُ... قَالَ: يَا حَبَابَةُ تَرَيْنِ بِيَاضَ شَعْرِكَ؟

قُلْتُ: بَلَى يَا مَوْلَايَ، قَالَ: يَا حَبَابَةُ أَفَتَجَبِّينَ أَنْ تَرَاهُ أَسْوَدَ حَالِكًا كَمَا كَانَ فِي عُنُقُوانِ سَبَابِكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ يَا مَوْلَايَ، قَالَ: يَا حَبَابَةُ وَ يُجْزِيكَ ذَلِكَ أَوْ نَزِيدُكَ؟ فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ عَلَيَّ

خدمت امام رضا علیه السلام رسید، امام هشتم به او فرمود: آیا دوست داری موهبت را مشکی ببینی همانطور که در اوج جوانی ات بود؟ گفت: بله مولای من، امام رضا علیه السلام فرمود: این برایت کافی است یا بیشتر می خواهی؟، گفت: از فضلت بر من بیشتر کن، امام علیه السلام فرمود: آیا می خواهی علاوه بر مشکی شدن موهبت، جوان هم شوی؟ حبابه گفت: این برهان بزرگی است....

بنابراین، روایت مرحوم شیخ صدوق در کمال الدین و روایت مرحوم شیخ کلینی در مورد جوان شدن حبابه به دست امام سجاده علیه السلام است و با وجود ضعف در روایت مرحوم شیخ کلینی اما شاهی است بر صحت روایت مرحوم شیخ صدوق که از جهت سند حسن بود. روایت هدایه الکبری در رابطه با جوان شدن او به دست امام رضا علیه السلام است.

بنابراین وجود سه روایت با سه طریق متفاوت، احتمال صدور چنین معجزه ای از دو امام معصوم و یا حداقل یک معصوم علیه السلام در مورد حبابه را زیاد می کند.

چهار. کثرت عبادت

روایت اول: صحیح ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در بصائر: ^۱ در فصل شخصیت شناسی وصفی در منابع رجالی، بیان شد و گفتیم روایت از جهت سند صحیح است. امام صادق علیه السلام در این روایت شریف، عبادت حبابه را این گونه توصیف می نماید: بانویی که در عبادت بسیار تلاش می نمود تا جایی که از کثرت عبادت پوستش بر بدنش چسبیده بود.^۲

روایت دوم: روایت صالح بن میثم در بصائر الدرجات: ^۳ قسمتی از این روایت در همین فصل در گفتار ارتباط زیاد با دو امام معصوم، روایت دوم، بیان شد. در ابتدای همین روایت، صالح بن میثم در

قَالَ: أَ تُجِيبَنَّ أَنْ تَكُونِي مَعَ سَوَادِ شَعْرِكَ شَابَةً؟ فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ هَذَا الْبُرْهَانُ عَظِيمٌ، قَالَ: وَ هَذَا أَعْظَمُ مِنْهُ مَا تَجِدِيْنَهُ مِمَّا لَا يَعْلَمُ النَّاسُ بِهِ... (هدایة الکبری، ص ۱۶۷ - ۱۷۰).

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۴.

۲. وَ كَانَتْ امْرَأَةً شَدِيْدَةً اِلْتِهَادًا وَ قَدْ يَبَسَ جِلْدُهَا عَلَي بَطْنِهَا مِنَ الْعِبَادَةِ... .

۳. عَنْ صَالِحِ بْنِ مَيْثَمِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ عَبَائَهُ بَنُ رُبَيْعٍ عَلَي امْرَأَةٍ فِي بَنِي وَالْبَةِ قَدْ اخْتَرَقَ وَجْهَهَا مِنَ السُّجُودِ...

(بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۷۱).



توصیف حبابه می‌گوید: صورتش از سجود سوخته بود^۱ که این جمله کنایه از این است که اثر سجده بر پیشانی اش مشخص بوده است.

روایت سوم: روایت عمران بن میثم در محاسن برقی:^۲ در این روایت شریف، عمران میثم تمار در توصیف حبابه این چنین می‌گوید: بر بانویی داخل شدیم که عبادت او را زرد کرده بود.^۳ بنابراین، علاوه بر صحت روایت اول، وجود سه روایت با سه طریق مختلف، آن هم در منابع متقدم بر کتب اربعه (بصائر الدرجات و محاسن) گویای صحت متن و محتوای آن است.

پنج. تحسین امام صادق علیه السلام از سوالات علمی او

روایت داود بن کثیر رقی در طب الائمه علیهم السلام:^۴ داود بن کثیر رقی گفت: نزد امام صادق علیه السلام بودیم که حبابه والیه داخل شد و از آن حضرت سوال‌هایی در مورد حلال و حرام کرد، ما از سوال‌های خوب او تعجب کردیم، در این هنگام امام صادق علیه السلام به ما فرمود: آیا سوال‌هایی نیکوتر از سوال‌های حبابه والیه دیده‌اید؟

شش. نماز خواندن امام رضا علیه السلام بر بدن او و تلقین دادن او توسط آن حضرت و

گریه بر او

روایت دیلمی در ارشاد القلوب:^۵ در این روایت نقل شده است هنگامی که امیرالمومنین علیه السلام سنگریزه‌های حبابه را مهر نمود، ائمه معصومین تا امام رضا علیه السلام را به او معرفی کرد و فرمود: وقتی

۱. قَدْ اخْتَرَقَ وَجْهَهَا مِنَ السُّجُودِ....

۲. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمْرَةَ بِنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ حَسَّانَ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ الْعِجْلِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ مَيْثَمٍ عَنْ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ قَالَتْ: دَخَلْنَا عَلَى امْرَأَةٍ قَدْ صَفَرَتْهَا الْعِبَادَةُ أَنَا وَعَبَائِي بِنِ رَبِيعِي فَقَالَتْ مَنْ الَّذِي مَعَكَ قُلْتَ هَذَا ابْنُ أَخِيكَ مَيْثَمٌ قَالَتْ ابْنُ أَخِي وَاللَّهِ حَقًّا أَمَا إِنِّي سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع يَقُولُ مَا أَحَدٌ عَلَيَّ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا نَحْنُ وَشِيعَتُنَا وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْهَا بُرَاءٌ (المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۷).

۳. دَخَلْنَا عَلَى امْرَأَةٍ قَدْ صَفَرَتْهَا الْعِبَادَةُ....

۴. أَحْمَدُ بْنُ الْمُنْذِرِ قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع فَدَخَلَتْ حَبَابَةُ الْوَالِيَّةُ وَ كَانَتْ خَيْرَةً فَسَأَلْتُهُ عَنْ مَسَائِلَ فِي الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ فَتَعَجَّبْنَا مِنْ حُسْنِ تِلْكَ الْمَسَائِلِ إِذْ قَالَ لَنَا أَرَأَيْتُمْ مَسَائِلَ أَحْسَنَ مِنْ مَسَائِلِ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ؟ فَقُلْنَا جَعَلْنَا فِدَاكَ لَقَدْ وَفَّرْتَ ذَلِكَ فِي عُيُونِنَا وَ قُلُوبِنَا. (طب الائمه علیهم السلام، ص ۱۰۴).

۵. فَقَالَ لَهَا بَلَى وَ اللَّهُ يَا حَبَابَةَ لَتَلْقَيْنَ بِهِدَى الْحَصَاةِ ابْنِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا وَ كُلُّ إِذْ أَتَيْتَنِي اسْتَدْعَى الْحَصَاةَ مِنْكَ فَطَبَعَهَا بِهَذَا الْخَاتَمِ لَكَ

نزد علی بن موسی علیه السلام می‌رسی از او یک برهان بزرگی می‌بینی و در آن زمان مرگ را اختیار می‌کنی و او بالای قبرت می‌ایستد و بر تو نماز می‌خواند.

در ادامه روایت حبابه می‌گوید: وقتی پیری و فرسودگی بر من مستولی شد به علی بن موسی علیه السلام گفتم از من غافل نشوید و همانطور که جدتان به من وعده داده در تشییع جنازه‌ام حاضر شوید و بر من نماز بخوانید. امام علیه السلام در جوابش فرمود: تو با ما هستی.

در ذیل روایت آمده هنگام احتضار حبابه، شخصی از طرف امام رضا علیه السلام کفن و حنوط آورد و امام علیه السلام در تشییع جنازه او حاضر شد و بر او نماز خواند و سپس او را تلقین داد و بر سر قبرش گریه نمود و فرمود: سلام مرا به پدرانم برسان.

هفت. سفارشی امام رضا علیه السلام به زیارت و تلاوت قرآن و تبرک جستن به قبر او

روایت محمد بن یزید در هدایه الکبری: ^۱ محمد بن یزید می‌گوید: هنگامی که حبابه از دنیا رفت، امام رضا علیه السلام به تجهیز بدنش امر نمود و بر بدنش نماز خواندیم و آن حضرت ما را به زیارت حبابه امر کرد و اینکه بر سر مزارش قرآن بخوانیم و دعا کنیم.

هشت. بازگشت به دنیا در زمان ظهور امام زمان علیه السلام و قرار گرفتن در زمره یاران

آن حضرت

فَعِنْدَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا تَرَيْنَ فِي نَفْسِكَ بُرْهَانًا عَظِيمًا مِنْهُ وَ تَخْتَارِبِنَ الْمَوْتَ فَتَمُوتِينَ وَ يَتَوَلَّى أَمْرَكَ وَ يَقُومُ عَلَيَّ حُفْرَتَكَ وَ يُصَلِّي عَلَيْكَ. . . فَلَمَّا صِرْتُ بِحَالِ اسْتَوَلَى الْكِبَرُ فِيهِ قُلْتُ لِمَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع لَا تَغْفُلْ عَنِّي تَحْضُرُ جَنَازَتِي وَ تُصَلِّي عَلَيَّ كَمَا وَعَدَنِي جَدُّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ التَّرْمِذِيُّ فَإِنَّكَ مَعَنَا فَكَانَ مِنْ أَمْرِهَا أَنَّهُ ذَاتَ يَوْمٍ نَائِمَةٌ عَلَيَّ فَرَأَيْتُهَا إِذْ نَزَلَ الْحَمَامُ الْمَحْنُومُ فَأَيَّقَطُوهَا فَإِذَا هِيَ قَدْ سَلِمَتْ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدْوِ إِذَا بِرَسُولِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عِنْدَهُمْ وَ عِنْدَهُ كَفْنٌ وَ حَنُوطٌ ثُمَّ قَامُوا فِي جِهَارِهَا فَصَلَّى عَلَيْهَا الرِّضَا ع وَلَقَّنَهَا ثُمَّ قَامَ عَلَيَّ قَبْرِهَا يَبْكِي ثُمَّ قَالَ أَيْلُغِي أَبَائِي مِنِّي السَّلَامَ

۱. قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ حَمْدَانَ الْخَصِيبِيُّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ): حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مَالِكٍ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَزِيدَ الْمَدَنِيُّ قَالَ: كُنْتُ مَعَ مَوْلَايَ عَلِيِّ الرِّضَا (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) حَاضِرًا لِأَمْرِ حَبَابَةَ وَ قَدْ دَخَلْتُ إِلَى أُمَّهَاتِ الْأَوْلَادِ فَلَمَّ تَلَبَّثُ إِلَّا بِمَقْدَارِ مَا عَائِنَتْ جِهَارَهَا حَتَّى تَشْهَدْتُ وَ قَبِضْتُ إِلَى اللَّهِ رَحِمَهَا اللَّهُ.

قَالَ مَوْلَانَا الرِّضَا (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) رَحِمَكَ اللَّهُ يَا حَبَابَةَ قُلْنَا: يَا سَيِّدَنَا وَ لَمَّا قَبِضْتُ قَالَ لَبِثْتُ إِلَى أَنْ عَائِنَتْ جِهَارَهَا حَتَّى قَبِضْتُ إِلَى اللَّهِ وَ أَمَرَ بِتَجْهِيزِهَا فَجَهَّزْتُ وَ خَرَجْتُ وَ صَلَّيْنَا عَلَيْهَا وَ حَمَلْتُ إِلَى حُفْرَتِهَا وَ أَمَرَ سَيِّدَنَا بِزِيَارَتِهَا وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عِنْدَهَا وَ التَّبَرُّكِ بِالِدَّعَاءِ هُنَاكَ. (الهداية الكبرى؛ ص ۱۷۰)

روایت اول: روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام در دلائل الامامه^۱ در این روایت شریف امام صادق علیه السلام سیزده بانو را نام می‌برند که در زمان ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همراه آن حضرت بر می‌گردند که در میان آنها نام بانوان بزرگی مثل ام ایمن، سمیه مادرعمار یاسر وجود دارد و از جمله آنها، حبابه والیه است.

روایت دوم: روایت خصیبی در هدایه الکبری و دیلمی در ارشاد القلوب^۲ در قسمتی از این روایت طولانی نقل شده است هنگامی که امیرالمومنین علیه السلام سنگریزه‌های حبابه را مهر نمود، به او فرمود: من به تو بشارت می‌دهم که تو در زمره زنانی هستی که همراه مهدی علیه السلام که از نسل من است، برمی‌گردد.

عبارت دیگری از همین روایت، از (امام رضا علیه السلام) که موید همین مطلب است^۳ که آن حضرت فرمودند: جدم امیرالمومنین علیه السلام به حبابه خبر داده که او در زمره زنانی است که همراه مهدی علیه السلام بر می‌گردد.

نتیجه گیری

با توجه به روایاتی که بیان کردیم، ثابت شد که حبابه والیه حدوداً یک سال بعد از عام الفیل چشم به جهان گشوده و در اوایل دوران امامت امام رضا علیه السلام وفات نموده که در نتیجه طول عمر او حدوداً ۲۳۶ سال می‌شود. علاوه بر کلمات رجال یون پیرامون وثاقت و یا ممدوح بودن او، روایت

۱. وَ أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنُ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ صَالِحِ النَّخَعِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرَانَ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: يُكْرَهُ مَعَ الْقَائِمِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ثَلَاثَ عَشْرَةَ امْرَأَةً؛ قُلْتُ: وَ مَا يَصْنَعُ بِهِنَّ؟ قَالَ: يَدَاوِينِ الْجَزْحَى، وَ يَقْمَنَ عَلَى الْمَرْضَى، كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ). قُلْتُ: فَسَمَّهِنَّ لِي. فَقَالَ: الْقِنْوَاءُ بِنْتُ رُشَيْدٍ، وَ أُمُّ أَيْمَنَ، وَ حَبَابَةُ الْوَالِيَّةِ، وَ سُمَيْيَةُ أُمُّ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، وَ زَيْنَبُ، وَ أُمُّ خَالِدِ الْأَحْمَسِيِّ، وَ أُمُّ سَعِيدِ الْحَنْفِيَّةِ، وَ صَبَانَةُ الْمَاشِطَةِ، وَ أُمُّ خَالِدِ الْجُهَيْنِيِّ (دلائل الإمامة، ص ۴۸۴).

۲. وَ عَنْهُ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ الْمُفَضَّلِ الْمُخَلَوَلِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى الْقَرْنِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ طَلْبَانَ عَنْ أَبِي خَالِدِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ رُشَيْدِ الْهَجْرِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ: ... قَالَ... وَ أَنَا مُبَشِّرُكَ بِأَنَّكَ مَعَ الْمَكْرُورَاتِ مَعَ الْمَهْدِيِّ مِنْ دُرِّيَّةٍ إِذَا أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ؛ (الهداية الكبرى، ص ۱۶۷؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۸۹).

۳. وَ لَكِنَّ جَدِّي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَخْبَرَهَا بِأَنَّهَا تَكُونُ مَعِي وَ أَنَّهَا تَكُونُ مَعَ الْمَكْرُورَاتِ مَعَ الْمَهْدِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، مِنْ وُلْدِي، فَصَحَّكَتْ تَشْوُقًا إِلَى ذَلِكَ وَ سُورًا وَ فَرَحًا يَقْرِبُهَا مِنْهُ؛ (الهداية الكبرى، ص ۱۶۹).

صحیح ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در بصائر الدرجات مقامی فوق وثاقت را برای او ثابت می‌کند. وجود بیش از یک روایت (دو یا سه روایت) در منابع معتبر روایی، آن هم با طرق مختلف برای هر کدام از این عناوین: ارتباط زیاد حیابیه با امام حسین علیه السلام، شفا گرفتن از سیدالشهدا علیه السلام، شفا گرفتن از امام سجاده علیه السلام، جوان شدن به دست امام سجاده علیه السلام، کثرت و شدت عبادت، بازگشت به دنیا در زمان ظهور امام زمان علیه السلام، موجب اطمینان به صحت متن و محتوای آن می‌گردد (علاوه بر صحت سند در برخی از این روایات).

سایر عناوینی که درای یک روایت در منابع معتبر هستند: ارتباط زیاد با امام باقر علیه السلام، شفا گرفتن از امام باقر و امام صادق علیهما السلام، جوان شدن توسط حضرت رضا علیه السلام، تحسین امام صادق علیه السلام از سوالات علمی او، نماز خواندن امام رضا علیه السلام بر بدن او و تلقین دادن او توسط آن حضرت و گریه بر او، سفارش امام رضا علیه السلام به زیارت قبر او و تلاوت قرآن و تبرک جستن به قبر او.

فهرست منابع

۱. إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، دیلمی، حسن بن محمد، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۲. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، صفار، محمد بن حسن، تحقیق: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ق.
۳. تکملة الرجال، کاظمی عبدالنبی، محقق: بحر العلوم محمد صادق، قم: أنوار الهدی، ۱۴۲۵ق.
۴. تنقیح المقال فی علم الرجال (رحلی)، مامقانی عبدالله، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵. جامع الرواة وازاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد، اردبیلی محمد بن علی، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.
۶. دلائل الإمامة (ط- الحدیثة)، طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۷. الرجال، تقی‌الدین حلی حسن بن علی، مصحح: میاموی محمدکاظم، تهران: دانشگاه تهران، بی‌تا.
۸. رجال الطوسی، طوسی، محمد بن حسن، محقق: قیومی اصفهانی، جواد، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۷۳ش.
۹. رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال (مع تعلیقات میر داماد الأستراآبادی)، کشی، محمد بن عمر، تحقیق: رجایی، مهدی، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، بی‌تا.
۱۰. زبدة الأقوال فی خلاصة الرجال، حسینی حلی حسین بن کمال‌الدین ابرز، محقق: صحفی مجتبی، قم: موسسه علمی فرهنگي دارالحدیث، ۱۴۲۸ق.
۱۱. طبّ الأئمة علیهم السلام، ابن‌اسطام، عبدالله و حسین، تحقیق: خراسان، محمد مهدی، قم: دارالشریف الرضی، ۱۴۱۱ق.
۱۲. الغيبة (للطوسی)، طوسی، محمد بن الحسن، تحقیق: تهرانی، عبدالله و ناصح، علی احمد، قم: دارالمعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۱۳. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۴. کتاب الرجال (برقی)، برقی احمد بن محمد تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.

۱۵. کلیات فی علم الرجال، سبحانی تبریزی، جعفر، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۱۶. کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۱۷. المحاسن، برقی، احمد بن محمد بن خالد، تحقیق: محدث، جلال الدین، قم: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
۱۸. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، تحقیق: رسولی محلاتی، سید هاشم تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۱۹. المزار الكبير (لابن المشهدی)، ابن مشهدی، محمد بن جعفر، تحقیق: قیومی اصفهانی، جواد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۲۰. مستدرکات علم رجال الحديث، نمازی شاهرودی علی فرزند تهران: مؤلف، ۱۴۱۴ق.
۲۱. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، خویی ابوالقاسم، بی جا، بی تا، بی نا، ۱۴۱۳ق.
۲۲. مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، جوهری بصری احمد بن عبد العزيز، مصحح: المنصوری نزار، قم: انتشارات طباطبائی، بی تا.
۲۳. مناقب آل أبي طالب عليه السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۲۴. نقد الرجال، تفرشی، مصطفی بن حسین، محقق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۳۷۷ش.
۲۵. وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۶. الهدایة الكبرى، خصیبی، حسین بن حمدان، بیروت: البلاغ، ۱۴۱۹ق.